

«مقاله پژوهشی»

## معناشناسی تطبیقی ملکوت در قرآن کریم و کتاب مقدس

نرجس نعمتی<sup>۱</sup>، بهنام بهاری<sup>۲</sup>، فرج بهزاد<sup>۳</sup>

۱. گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. [narges.nemati1985@gmail.com](mailto:narges.nemati1985@gmail.com)

۲. گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول). [bahariodlu@gmail.com](mailto:bahariodlu@gmail.com)

۳. گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. [behzad.phd@gmail.com](mailto:behzad.phd@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

### Comparative semantics of the Kingdom in the Holy Quran and the Holy Bible

Narjes Nemati<sup>1</sup>, Behnam Bahari<sup>2</sup>, Faraj Behzad<sup>3</sup>

1. M.A. of Ulum Quran and Hadith, Ardabil University, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

2. Assistant Professor of Ulum Quran and Hadith, Ardabil University, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

3. Assistant Professor of Jurisprudence and Islamic Law. Ardabil University, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

#### Abstract

One of the common teachings of the Holy Quran and the New Testament is the discussion of the Kingdom of God, which begins with the Abrahamic religions, especially the Torah, and is completed in the Holy Quran. The origin of the Kingdom is in the Holy Qur'an verses (183 Araf - 75 Anam - 83 Yasin - 88 Momunun) and the Arbaa Gospels also refer to the Kingdom in many cases. This article, which was compiled in a descriptive-analytical way, tries to compare the semantics of the Kingdom in the Holy Quran and the Holy Bible. According to the results of the research, one of the concepts of the kingdom in the tradition of the Holy Quran is "inside" and "beyond everything that faces the Supreme Lord". Another meaning and concept of malkut is "property", which means monarchy and government. Also, the kingdom in the Holy Quran is in the form of a line from the time of revelation, it means the warning of doomsday, the inside of everything, the truth of God's unity and God's control over all affairs, which indicates the change in the meaning and concept of the kingdom over time. In the texts of the Old Testament, two types of kingdom can be listed: first, the kingdom and the kingdom which is eternal and continues from eternity to eternity. Second, God's Kingdom in the end times when Christ will appear and establish a political government.

**Keywords:** Holy Qur'an, Bible, Kingdom, Malik, Batin.

#### چکیده:

یکی از آموزه‌های مشترک قرآن کریم و عهد جدید، بحث ملکوت خداوند است که از ادیان ابراهیمی به ویژه تورات آغاز و در قرآن کریم تکمیل می‌گردد. منشأ ملکوت در قرآن کریم آیات (۱۸۳ اعراف - ۷۵ انعام - ۸۳ یس - ۸۸ مومنون) است و در انجیل اربعه نیز در موارد متعددی به ملکوت اشاره شده است. این مقاله که به شیوه توصیفی-تحلیلی تدوین گشته درصدد آن است که تطبیقی در معناشناسی ملکوت در قرآن کریم و کتاب مقدس انجام دهد. بر اساس نتایج پژوهش، یکی از مفاهیم ملکوت در سیاق قرآن کریم عبارت است از «باطن» و «آن سوی هر چیز که رو به پروردگار متعالی» است. معنا و مفهوم دیگر ملکوت «ملک» می‌باشد، یعنی سلطنت و حکومت است. همچنین ملکوت در قرآن کریم به شکل سیرخطی از زمان نزول، به معنای انداز قیامت، باطن هر چیزی، حقیقت واحد خدایی و تسلط خداوند بر همه امور است که این نشانگر تغییر معنا و مفهوم ملکوت در مرور زمان است. در متون عهد عتیق دو نوع از ملکوت می‌توان برشمرد: اول پادشاهی و ملکوتی که همیشگی است و از ازل تا ابد ادامه دارد. دوم ملکوت خداوند در آخرالزمان که مسیح ظهور می‌کند و حکومتی سیاسی به راه می‌اندازد. در عهد جدید هم بنابر بیانات حضرت عیسی (ع) دو نوع ملکوت می‌توان تصور نمود: ملکوتی که در تاریخ آغاز شده است و در نهایت تاریخ تکمیل خواهد شد؛ ملکوتی که موجود و ماورایی است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، کتاب مقدس، ملکوت، ملک، باطن

مقدمه

میان یازده دین زنده کنونی جهان، اسلام و مسیحیت و یهودیت به سبب آسمانی و ابراهیمی بودن، برخوردار از کتاب مقدس و آموزه‌های بینشی، ارزشی و کنشی که البته در اسلام بیشتر و کامل‌تر تجلی یافته است و به دلیل پیروان فراوان، امتیاز و برتری ویژه‌ای دارند. این سه دین کهن و بزرگ دارای ساختاری واحد و ماهیتی الهی هستند. متون مقدسی که شالوده جهان بینی، ایدئولوژی و باورهای دینی بخش بزرگی از جوامع بشری امروز را تشکیل می‌دهند. این کتب به ترتیب عهد قدیم، عهد جدید، و قرآن کریم می‌باشند. آن چیزی که روشن است بحث در باب ملکوت در حوزه‌های مختلف عرفان و کلام و حوزه فلسفه و فقه و مطالعات قرآنی بسیار حائز اهمیت است و همچنین از دیدگاه مفسران نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. در این پژوهش سوالی که مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که معنای حقیقی ملکوت در قرآن کریم و عهد عتیق و عهد جدید به چه معنا است؟ و اشتراکات و افتراقات ملکوت در قرآن کریم و عهد جدید چیست؟ از این رو برآن شدیم تا تطبیقی در معناشناسی واژه ملکوت در قرآن کریم و کتاب مقدس انجام دهیم. در قرآن کریم چهار بار (اعراف/۱۸۵ - یس/۸۳ - انعام/۷۵ - مومنون/۸۸)، به چنین مفهومی اشاره شده است و مشتقات آن (ملک، ملکنم، یملکون، تملک و ..... ۶۳ بار در قرآن کریم آمده است. در اناجیل اربعه (متی - مرقس - لوقا - یوحنا) هم در موارد متعددی به ملکوت اشاره شده است. گرچه در عهد قدیم ملکوت آسمانی از آرمان‌های قوم یهود به شمار می‌آید بلکه در عهد جدید هم مژده دادن و زمینه سازی

ملکوت الهی یا آسمانی به عنوان مهم‌ترین مأموریت حضرت عیسی (ع) معرفی می‌شود.

پیشینه پژوهش

در بررسی تطبیقی مفهوم ملکوت در کتاب مقدس و قرآن کریم اثر مستقلی تدوین نشده است و آثاری که کارشده است همه آنها بصورت اجمالی یا در تطبیق با دیگر مطالب به بیان معنای ملکوت پرداخته‌اند:

محمد جواد نیکدل در کتاب بررسی تطبیقی اندیشه ملکوت خدا در ادیان ابراهیمی (نیک دل، ۱۳۹۱) به مقایسه مفهوم ملکوت در سه دین یهودیت و مسیحیت و اسلام پرداخته است. نویسنده کتاب، گرچه ملکوت باطنی مدنظر عارفان مسیحی را در کنار سایر دیدگاه‌ها، به اختصار بیان کرده، اما در نهایت، تنها ملکوت آخرالزمانی را با معنای ملکوت در یهودیت و اسلام مقایسه کرده و به مقایسه مفهوم «ملکوت باطنی» در مسیحیت شرقی و ملکوت به معنای باطن در اسلام نپرداخته است.

کرم سیاوشی و جواد محمدی در مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم واژه «ملکوت» در قرآن کریم و دیوان حافظ» (سیاوشی و محمدی، ۱۳۹۲) که در فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی منتشر شده است در مقام بیان معناشناسی ملکوت در قرآن کریم و دیوان حافظ پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «تمایز عالم ملک و ملکوت از نگاه قرآن و روایات» (خسروی و اسلامی، ۱۳۸۹) که در نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی منتشر شده است به تمایز زندگی دنیا و آخرت می‌پردازد و برتری عالم آخرت را تبیین می‌کند.

در مقاله‌ای تحت عنوان ««ملکوت» در تفاسیر عرفانی قرآن کریم و عرفان مسیحیت شرقی (کیان‌مهر و

همکاران، ۱۳۹۶) که در فصلنامه معرفت ادیان منتشر شده است؛ به جستجوی معنای ملکوت در تفاسیر اسلامی و مسیحیت پرداخته‌اند.

#### معنای واژگانی ملکوت

بیش از هر چیز بیان معنای لغوی ملکوت ضروری است. بعضی از اندیشمندان اسلامی ملکوت را از مُلک دانسته و آن را ملک خدا «الْمَلَكُوتُ: ملک الله» که خداوند سلطان آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸۰/۵؛ ابن عباد، ۱۴۰۴: ۲۷۴/۶؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۶۱۰/۴؛ زمخشری، ۱۳۸۶: ۹۹؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۷۷/۱۱؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۸۶۲؛ ابوجیب، ۱۴۰۸: ۳۴۰). و نیز به معنای سلطانی و قدرت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۷۵؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۵۵/۷؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵۰/۱۰) می‌داند.

اغلب لغت شناسان اسلامی بر این نظرند که "ملکوت" واژه عربی است (جفری، ۱۳۸۶: ۳۸۹). عده‌ای اصل آن را عبری و سریانی می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۶۳/۱۱).

از محققان غربی، عده‌ای اصل «ملکوت» را عبری دانسته‌اند (جفری، ۱۳۸۶: ۳۸۹). ملکوت در زبان عبری، دارای معنای کلی فرمان‌روایی و حکومت است و به زمان و مکان خاصی محدود نشده است. "ملکوت" در ترجمه یونانی کتاب مقدس به *basileia* ترجمه شده است (لد، ۱۹۹۳: ۶۰).

#### ملکوت قبل از اسلام

در متون عربی قبل از اسلام واژه ملکوت دیده نمی‌شود و به همین دلیل دخیل بودن این واژه تقویت می‌شود، هرچند مشتقات آن در معلقات وجود دارد:

فَإِنْ كُنْتَ لَا تَسْطِيعُ دَفْعَ مَنِيَّتِي

فَدَعْنِي أَبَادِرْهَا بِمَا مَلَكَتْ يَدِي  
اگر نمی‌توانی و توانایی دفع مرگ را از من نداری؛  
بگذار شتاب و پیش‌دستی کنم و مرگ را در اختیار  
بگیریم.

(شیبانی، ۱۴۲۲: ۱۵۱)

در این شعر واژه "ملکت" به معنای در اختیار گرفتن بیان شده است.

در دیوان حارث بن حلّزه نیز مشتقات ملکوت بیان شده است:

مَلِكٌ مُّقْسِطٌ وَأَكْمَلُ مَنِيمٍ

شی و من دون ما لَدَيْهِ التَّنَاءُ  
پادشاهی است عادل و بهترین کسانی که روی  
زمین راه می‌رود و مدح به برای قدردانی او چیزی  
نیست. (همان: ۱۶۳) در این بیان "ملک" به معنای  
پادشاهی عنوان شده است.

در اشعار امروء القیس نیز مشتقات ملک دیده می‌شود: (ابن انباری، بی‌تا: ۳۲۰)

أَلَا يَا عَيْنَ بَكِي لِي شَنِينَا

وبکی للملوك الذاهبين  
ملوک من بنی حُجْر بن عمرو

يسأقون العشيّة يقتلوننا  
فلو فی یوم معركة أصیبوا

ولكن فی دیار بنی مرینا  
در این بیان نیز ملوک جمع ملک می‌باشد.

در متون دینی قبل از اسلام نیز واژه ملکوت قابل کندوکاو می‌باشد:

واژه «مَلِكُوت» در پنج قسمت از عهد عتیق بیان شده است که اغلب به معنای فرمانروایی و سلطنت بیان شده است:

«آنگاه من تخت پادشاهی تو را استوار می‌کنم و طبق پیمانی که با پدرت داوود بستم و گفتم: تو همیشه جانشینی در اسرائیل خواهی داشت که بر آن فرمانروایی کند، عمل خواهم کرد.» (دوم تواریخ، باب ۷، بند ۱۸)

#### بررسی واژه ملکوت ذیل زبان‌های دیگر

سیوطی در الاتقان بیان کرده است: «ابن اَبی حاتم از عکرمه آورده که درباره فرموده خدای تعالی: (مَلَكُوت) گفت: همان فرشته است، ولی به زبان نبطی «ملکوتا» می‌باشد. و ابو الشیخ از ابن عباس همین را آورده، و واسطی در کتاب الارشاد گفته: به زبان نبطی فرشته را گویند.» (سیوطی، ۱۳۸۰: ۴۸۳/۱)

آرتور جفری در کتاب واژگان دخیل در قرآن به تفصیل در باب ملکوت بحث کرده است، وی بیان می‌کند که: مَلَكُوت (Malakut) به معنای پادشاهی است، مملکت نظریه عمومی لغویان اسلامی این است که واژه عربی است و از ریشه ملک به معنای دارا بودن اشتقاق یافته است، اگر چه هنگام توضیح "ت" پایانی واژه، اندکی دچار اشکال و درماندگی می‌شوند. چنان که از گفته سیوطی برمی‌آید بعضی از آنها واژه را بیگانه می‌دانستند و مأخوذ از نبطی می‌شمردند. پسوند "وت" همیشه دلیل قاطع است بر آنکه واژه از آرامی آمده است؛ گایگر<sup>۱</sup> و تیسدال<sup>۲</sup> آن را مأخوذ از واژه عبری (מַלְכוּת) می‌گیرند که اغلب در نوشته‌های ربّانیان به کار می‌رود (تیسدال، ۱۸۳۳: ۶)، اما چنان که فرانکل نوشته است احتمال بیشتر آن است که واژه از آرامی (מַלְכוּתָא)، در سریانی (ܡܠܟܘܬܐ)، گرفته شده

باشد، زیرا این واژه‌ها مانند ملکوت قرآن دارای مفهوم دوگانه (βασιλεια) و (ηγεμονια) هستند و گذشته از آن واژه حبشی (ሥላሴ) از یک صورت آرامی گرفته شده است، همچنان که هزوارش پهلوی (𐭌𐭎𐭐𐭕𐭎𐭏𐭎𐭏) malkota از اصلی آرامی آمده است.

مینگانا صورت سریانی را اصل و منشأ واژه می‌داند، اما تصمیم‌گیری در این مورد دشوار است، با آن که از بعضی جهات صورت آرامی (מַלְכוּתָא) مقارنت و مطابقت دقیق‌تری از صورت سریانی (ܡܠܟܘܬܐ) با واژه عربی نشان می‌دهد. (جفری، ۱۳۸۰: ۳۹۰)

در فرهنگ لغت عبری و انگلیسی عهد عتیق بیان شده که این واژه عبری و به معنای (kingdom) بیان شده است. (جسنیوس، ۱۹۰۷: ۵۷۴)

همزادهای ملکوت به معنای (kingdom) در شاخه‌های مختلف زبان‌های سامی دیده می‌شوند؛ شامل:

آرامی کتاب مقدس (מַלְכוּתָא) (جاسترو، ۱۹۲۶: ۷۹۲)

اکدی (malikūtu) (پلک ات آل)

عبری (מַלְכוּת). (جسنیوس، ۱۹۰۷: ۵۷۴)

سریانی (براکلمان، ۱۸۹۵: ۳۹۲)

در مقاله بررسی تأثیر زبان سریانی در سبک قرآن، ملکوت سریانی و به معنای پادشاهی بهشت عنوان شده است. (مینگانا، ۱۹۲۷: ۸۵)

در کتاب فرهنگ تطبیقی زبان عربی با زبان‌های سامی شکل ذیل برای ملکوت بیان شده است: (مشکور، ۱۹۷۸: ۳۶۵/۲)

از میان اندیشمندان مسلمان ابتدا سیوطی در الاتقان (سیوطی، ۱۳۸۰: ۴۸۳/۱)، مصطفوی در التحقیق

<sup>1</sup>. Geiger

<sup>2</sup>. Tisdall

این واژه را دخیل از سریانی و عبری می‌داند. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۱/۱۷۷). مدرس افغانی آن را نبطی دانسته است (مدرس افغانی، ۱۳۶۲: ۱/۴۲۰)

اما غالب اندیشمندان عرب (سیبویه، ۱۴۰۰: ۴۱۹/۲؛ مبرد، ۱۴۰۱: ۱/۹۹) ملکوت را واژه‌ای عربی و بر وزن فعلوت دانسته که تاء آخر دلالت بر تأنیث دارد.

به نظر می‌رسد با توجه به موضوعات فوق ملکوت از واژگانی باشد که دخیل در عربی باشد و با توجه به فصاحت زبان عربی در آن هضم و شکل خاص خود را گرفته است، از این رو دانشمندان عرب آن را عربی پنداشته‌اند.

#### بررسی ملکوت در روایات

یکی از مهم‌ترین منابع ارزشمند برای دریافت معانی دقیق واژه‌های قرآن پیش از فرهنگ‌های واژگانی، احادیث نبوی و روایات ائمه اطهار (ع) و صحابه راستین پیامبر (ص) بوده است (میر سید و حاج اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۹۵). تعاریف حدیثی واژه‌های قرآنی ابعاد گوناگونی از معانی آنها را روشن می‌کنند. برای اینکه احادیث در طول بازه زمانی تقریباً سه قرن، با اسباب صدور مختلف در فضاهای اجتماعی گوناگون صادر شده‌اند، همچنین در پاسخ به سؤال یک فرد زبان‌دان صادر شده و ابعاد لغوی و زبانی یک واژه را رونمایی می‌کنند (سلمان زاده، جواد و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۴۷). روایات معصومین (ع) از دو منظر به عنوان منابع لغوی به شمار می‌آیند: اول اینکه گفته‌های آنان خود بخشی از فرهنگ مردم آن زمان به حساب می‌آید بنابراین با دقت در کاربرد انواع واژگان آنها می‌توان به معنای واژگان قرآنی مشابه پی برد. دوم اینکه طبق بیان

آیات شریف قرآن، پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) معلم و مبین قرآن هستند بنابراین یکی از راه‌های دستیابی به معنای واژگان قرآنی مراجعه به بیانات ایشان است (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۹۴).

در مصادر حدیث شیعه ملکوت به همان معنای شایع استفاده شده و در اکثر آنها با «مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» بیان شده است<sup>۱</sup>، اما شیخ صدوق در ضمن حدیثی در امالی به معنای ملکوت اشاره کرده است:

۱. وَ أُجْرِي لِي السَّحَابُ وَ تَنْظُرْتُ فِي الْمَلَكُوتِ فَلَمْ يَعْزُبْ عَنِّي شَيْءٌ فَاتَتْ وَ لَمْ يَفْتَنِي مَا سَبَقَنِي وَ لَمْ يَشْرِكْنِي أَحَدٌ فِيمَا أَشْهَدَنِي رَبِّي يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ وَ بِي بَيْتُ اللَّهِ (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۱۷).

وَ أَنْ يُتُوبَ عَلَيْهِ وَ يَرُدَّهُ إِلَى جَنَّتِهِ إِلَّا بِنُبُوتِي وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِي بَعْدِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَا اتَّخَذَهُ خَلِيلًا إِلَّا بِنُبُوتِي وَ الْإِقْرَارِ... (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۱۷)

فَرَّخَ قَلْبَكَ وَ اجْمَعِ إِلَيْكَ ذَهْنَكَ وَ عَقْلَكَ وَ طَمَأْنِنْتَكَ فَسَأَلَنِي إِلَيْكَ مِنْ عِلْمِ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا وَ فِيهِمَا مِنْ عَجَائِبِ خَلْقِهِ. (مفضل، بی‌تا، ص ۱۸۳)

عَلِي بْنُ النُّعْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ الزُّهْرِيِّ عَنْ أَحَدِهِمَا ع أَنَّهُ قَالَ: وَيْلٌ لِمَنْ لَا يَدِينُ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ وَ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَلَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ ... (كوفي اهوازی، ۱۴۰۲، ص ۱۹)

عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنِ أَبِي حَنْزَلَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ أَطْعَمَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ جَنَّاتِ مَلَكُوتِ السَّمَاءِ الْفَرْدُوسِ وَ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ وَ مِنْ شَجَرَةٍ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي بِيَدِهِ. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۹۳)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِي عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمَلَ بِهِ وَ عَلَّمَ بِهِ دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَيَقِيلُ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمَلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۵)

رَوَى أَبُو زَكَرِيَا عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا مَاتَ طِفْلٌ مِنْ أَطْفَالِ الْمُؤْمِنِينَ نَادَى مُنَادٌ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ قَدْ مَاتَ فَإِنْ كَانَ مَاتَ وَالِدَاهُ أَوْ أَحَدُهُمَا أَوْ بَعْضُ أَهْلِ بَيْتِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ دُفِعَ إِلَيْهِ بَعْدُوهُ وَ إِلَّا دُفِعَ إِلَى فَاظْمَةٍ ع تَعْدُوهُ حَتَّى يَقْدَمَ آبَاؤُهُ أَوْ أَحَدُهُمَا أَوْ بَعْضُ أَهْلِ بَيْتِهِ فَتَدْفَعُهُ إِلَيْهِ. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۰)

ملکوت السماء عظیمًا کان فی ملکوت الأرض  
 أعظم و أشرف و مقامه أعلى فإذا کان حال  
 العلم العملی هذا فما ظنک بحال العلم الذی هو  
 المقصود بالذات « (فیض کاشانی، ۱۴۰۶:  
 ۱۶۰/۱)

آنچه در باب معنای احادیث از معنای ملکوت  
 مستفاد است، معنای شایع که همان عالم ملکوت است،  
 محل تقدیر و تدبیر امور که در احادیث شیخ صدوق  
 مشاهده می‌گردد، و قدرت و سلطه خداوندی که در  
 اغلب احادیث اشاره شده است، در یک حدیث نیز  
 ملکوت به معنای فردوس بیان شده است.  
 ملکوت در قرآن کریم

در قرآن کریم ۴ بار واژه ملکوت آمده است، و این  
 چهار بار در سوره‌های مکی بکار برده شده است  
 (اعراف/۱۸۵؛ یس/۸۳؛ انعام/۷۵؛ مومنون/۸۸)، و با  
 توجه به سیاق سوره‌های مکی که ناظر بر توحید و  
 پاکسازی از جامعه از شرک و بت‌پرستی است، قابل  
 بررسی است، در ذیل به ترتیب نزول سوره‌هایی که واژه  
 ملکوت در آنها بکار برده شده است، بررسی می‌شوند:  
 اول: آیه ۱۸۵ سوره اعراف که برحسب نزول ۳۹  
 امین سوره نازل شده است (معرفت، ۱۴۱۰: ۱۳۵/۱).  
 در بردارنده واژه ملکوت می‌باشد: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي  
 مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ  
 أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ  
 يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۱۸۵) آیا در ملکوت آسمانها و زمین  
 و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند؛ و اینکه  
 شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد؟ پس به کدام  
 سخن، بعد از قرآن ایمان می‌آورند؟

«... حَرَكَةُ مَمْدُودَةٍ صَاعِدَةً إِلَى السَّمَاءِ فَكَلَّمَا رَأَهُ رُوحُ  
 الْمُؤْمِنِ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ فِي مَوْضِعِ التَّقْدِيرِ وَ التَّدْبِيرِ  
 فَهُوَ الْحَقُّ...» (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۴۵) در این حدیث  
 ملکوت آسمان را به معنای موضع و محل تقدیر و تدبیر  
 بیان نموده است. شیخ صدوق در توحید نیز حدیثی  
 بدین مضمون دارد که در آن ملکوت را محل تقدیر و  
 قدرت خداوند عنوان نموده است: «أَوْ يَحِيطُ بِهِ  
 الْمَلَائِكَةُ عَلَى قُرْبِهِمْ مِنْ مَلَكُوتِ عِزَّتِهِ بِتَقْدِيرِ تَعَالَى عَنْ  
 أَنْ يَكُونَ لَهُ كَفْوٌ فَيْشَبَّه» (صدوق، ۱۳۹۸: ۵۱) شیخ  
 صدوق حدیثی در ثواب الاعمال ملکوت سماء را همان  
 فردوس بیان کرده است: «... أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ جَنَّاتٍ  
 مَلَكُوتِ السَّمَاءِ الْفَرْدُوسِ...» (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۳۶)

در مناجات امام سجاد (ع) معنای قدرت و احاطه  
 بر همه چیز برای ملکوت اشاره شده است: «يَا مَنْ  
 حَازَ كُلَّ شَيْءٍ مَلَكُوتًا وَقَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ جَبْرُوتًا صَلِّ عَلَيَّ  
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ...» (راوندی، ۱۴۰۹: ۲۶۶/۱) ای  
 کسی که ملکوت تو همه چیز را در بر گرفته و جبروتت  
 همه را غالب شده، بر محمد و آل محمد درود فرست.

فیض کاشانی در ذیل حدیث «مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ  
 عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا  
 فَقِيلَ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷:  
 ۳۵/۱) برای شرح به معنای ملکوت اشاره و ملکوت را  
 به حسی و غیبی همچنین به علیا و سفلی تقسیم می‌کند:  
 «ملکوت کل شیء باطنه المتصرف فیه  
 المالك لأمره بإذن الله و لكل موجود فی هذا  
 العالم الحسی الشهادی ملکوت روحانی غیبی  
 نسبتها إليه نسبة الروح إلى البدن و ملکوت  
 الأعلى أشرف من ملکوت الأسفل فمن دعی فی

ولی از آنجا که این آیه در مکه نازل شده است باید سیاق آیات مکی را در معنای آن مدنظر قرار داد، پس می‌توان گفت ملکوت نشانی است برای رسیدن به قیامت و یا به بیان دیگر اندازی است برای قیامت؛ که می‌توان گفت معنای ملکوت در آیه همه آن چیزی است که برای ما قابل دیدن و ندیدن آن است، و این بعد روحانی و جسمانی را نیز دربرمی‌گیرد.

دوم: دومین آیه در سوره مبارکه یس که در ترتیب نزول ۴۱ امین سوره نازل شده می‌باشد بیان شده است: «فَسُبْحَانَ الَّذِي بَدَأَ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/۸۳) پس [شکوهمند و] پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست، و به سوی اوست که بازگردانیده می‌شود.

مراد از "ملکوت" آن جهت از هر چیزی است که رو به خداست، چون هر موجودی دو جهت دارد، یکی رو به خدا، و یکی دیگر رو به خلق. ملکوت هر چیز آن جهتی است که رو به خدا است، و ملک آن سمت رو به خلق است ممکن هم هست بگوییم که ملکوت به معنای هر دو جهت هر موجود است، و اگر فرموده ملکوت هر چیزی به دست خداست، برای این است که: دلالت کند بر اینکه خدای تعالی مسلط بر هر چیز است، و غیر از خدا کسی در این تسلط بهره و سهمی ندارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۶/۱۷). طبرسی در این آیه ملکوت را ملکیت با قدرت و توانایی عنوان نموده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۸۰/۸). نیآوردی و طبری آن را به دومعنای خزان هر چیزی و مبالغه در ملکیت بیان داشته‌اند. (نیآوردی، ۱۴۱۰: ۳۴/۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۲/۲۳). سید قطب مالکیت مطلق در وجود هر چیزی و سیطره کامل بر هر مملوکی دانسته است. (سید

در این آیه خداوند توجه و فکر بشر را به نظام آسمان و زمین و وحدت تدبیری موجود در عالم جلب می‌نماید. گروهی در ذیل آیه، ملکوت را اشاره به عجایب آسمان‌ها و زمین دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۷۲/۴؛ خرم‌دل، ۱۳۸۴: ۳۲۷/۱). زمخشری آن را ملک عظیم دانسته است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۸۲/۲) ابن عطیه آن را بناء عظیم معرفی کرده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۸۳/۲) آلوسی نیز آن را ملک عظیم بیان نموده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱۹/۵).

طبری ملکوت را ملک خداوند و سلطانی خداوند بر آن معرفی می‌کند. (طبری، ۱۴۱۲: ۹۳/۹) مفتاح الغیب دلالت ملکوت آسمان‌ها و زمین را بر وجود صانع حکیم دانسته است. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۲۰/۱۵).

در این آیه آنچه به نظر می‌رسد با توجه به سیاق آیات که در آیات قبل در باب تکذیب آیات الهی صحبت می‌کند. «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف/۱۸۲)

و سپس در باب هدایت و قیامت حرف می‌زند. «مَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَ يَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (اعراف/۱۸۶)

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي...» (اعراف/۱۸۷)

نشان می‌دهد که بحث ملکوت در آیه مورد نظر نیز باید مرتبط به این دو مورد باشد، ابتدا آیات الهی سپس ملکوت و سپس قیامت که سیر مسیری را نشان می‌دهد که به سوی هدفی خاص جریان دارد، می‌توان بیان داشت که تکذیب آیات الهی همراه است با ندیدن ملکوت، با توجه به این نکته می‌توان گفت همه دیدگاه‌های مفسران در این بعد صحیح به نظر می‌رسد،

قطب، ۱۴۲۵: ۲۹۷/۵). آلوسی ملکوت را مالکی می‌داند که همه چیز اقتضای تسبیحش را دارند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۱۲) قرطبی آن را مفاتح کلشی می‌داند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۶۰/۱۵).

با توجه به آیات قبل ملکوت به معنای باطن هر چیزی است که روبه خدا دارد که علامه طباطبایی آن را بیان کرده است، زیرا در آیات قبل سخن از آفریدگار مطلق است که خلق همه چیز در سیطره وجودی اوست و همه چیز به اراده وی انجام می‌شود «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس/۸۲) و در این آیه نیز پس به برکت این آفریدگار قابل ستایش و تنزیه است.

سوم: سومین آیه مورد بحث در آیه ۷۵ سوره مبارکه انعام که در ترتیب نزول ۵۵ امین سوره نازل شده می‌باشد بیان شده است: «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ» (انعام/۷۵)

مفسران بیانات متفاوتی در ملکوتی که به حضرت ابراهیم (ع) نشان داده شده است، دارند. عده‌ای می‌گویند: حکومت مطلق خدا بر عالم وجود به ابراهیم (ع) نشان داده شد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۸۶/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳۴/۴). برخی می‌گویند: حضرت ابراهیم جاذبه آفرینش و رابطه تدبیر آفریدگار را درباره موجودات به طور شهود قلبی دید و به طور موهبت، حقایق اشیاء بر او روشن و آشکار شد نه از طریق علل و جریان اسباب و نه به واسطه حواس ظاهر و یا فکر و خیال بلکه به طور شهود قلبی اسرار و حوادث جهان را دید (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۶۰/۳؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۸۸/۵).

آیه شریفه در سیاقی قرار گرفته که بیان می‌دارد، اگر بنده در عالم هستی، تنها بنده محض خدا باشد و ترک رویت غیر نماید، در آن صورت ملکوت برای وی مکشوف می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۵/۱۳)

ملکوت در این آیه به معنای قدرت بر تصرف است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۰/۷) و یا حکومت مطلقه خداوند بر سراسر عالم هستی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۰۹/۵). زمخشری ملکوت را ربوبیت و الوهیت و موفق شدن به معرفت آن دانسته است:

«ملکوت السموات و الأرض: یعنی الربوبیه و الإلهیه و نطقه لمعرفتها و نرشده بما شرحا صدره و سدّنا نظره و هدیانه لطریق الاستدلال.» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۰/۲)

در آیه ۷۵ سوره مبارکه انعام مفسران با توجه به سیاق آیات که آیه قبل در باب دعوت حضرت ابراهیم (ع) صحبت می‌کند. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرَ اتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انعام/۷۴) و در آیات بعد در باب پرستش ستاره و ماه و خورشید صحبت می‌کند «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأُحِبُّ الْأَفْلِقِينَ» (انعام/۷۸-۷۶). به نظر می‌رسد رابطه منطقی در آیات دیده می‌شود: آیه ماقبل دعوت ابتدایی و حذر از پرستش بت‌ها سخن می‌گوید، آیه بعد در باب نشان دادن ملکوت و در آیه بعدی در باب نهی از پرستش ستاره و ماه و خورشید، یعنی دو نهی اطراف یک حقیقت را گرفته‌اند، و به پشتوانه این حقیقت است که ابراهیم (ع) یقین پیدا می‌کند، از این رو معنای ملکوت حقایقی است که نهی می‌کند ابراهیم (ع) را از پرستش بت و امثال ماه و خورشید.



به این نکته می‌رسد که ملکوت هر چیزی بدست خداوندی است که پناه می‌دهد و درپناه کسی نمی‌رود؛ از این سیاق آیه بدست می‌آید که ملکوت نحوه تدبیر و اداره امور خداوندی است که بر همه تسلط دارد.

مفهوم‌شناسی ملکوت در سیاق قرآن کریم

یکی از مفاهیم ملکوت در سیاق قرآن کریم عبارت است از «باطن» و «آن سوی هر چیز که رو به پروردگار متعالی» است. این مفهوم از آیه شریفه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ \* فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/۸۳-۸۲) استفاده می‌شود. هر موجودی دو جهت دارد: یکی رو به خدا و دیگری رو به خلق.

ملکوت هر چیز آن جهتی است که رو به خداست و «ملک» جهتی است که رو به خلق دارد. البته ممکن است ملکوت به معنای هر دو جهت هر موجود نیز باشد. و اینکه قرآن می‌فرماید: ملکوت هر چیزی به دست خداست. بر این دلالت دارد که خدای تعالی بر هر چیز مسلط است و در این امر هیچکس با او شریک نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۵/۱۷).

معنا و مفهوم دیگر ملکوت «ملک» می‌باشد، یعنی سلطنت و حکومت است، و این معنا را با مبالغه افاده می‌کنند. این معنا با توجه به آیه شریفه «قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلا يَجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (مومنون/۸۸) به دست می‌آید. خدای تعالی ملکوت خود را تفسیر کرده و فرموده است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ \* فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/۸۳-۸۲)

پس ملکوت هر چیز آن است که از امر خدا به وسیله کلمه «کن» هستی یابد. به عبارت دیگر، ملکوت

چهارم: چهارمین آیه بر حسب نزول آیه ۸۸ سوره مبارکه مومنون که ۷۴ امین سوره نازل می‌باشد: «قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلا يَجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (مومنون/۸۸). بگو: «فرمانروایی هر چیزی به دست کیست؟ و اگر می‌دانید [کیست آنکه] او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود؟»

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌گویند: ملکوت هر چیزی این است که از امر خدا به کلمه "کن" هستی یابد. و به عبارت دیگر ملکوت هر چیزی وجود او به ایجاد خدای تعالی است و «بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ» کنایه استعاری است از این که ایجاد هر موجودی که بتوان کلمه "شیء" را بر آن اطلاق نمود، مختص به خداوند است، بنابراین ملکوت خداوند محیط به هر چیز است و نفوذ امرش و ممضی بودن حکمش بر هر چیزی ثابت است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۹/۱۵)

طبرسی، سیوطی، کاشانی، ثعلبی، آلوسی، قرطبی و طبری ملکوت را خزائن کل شیء معرفی کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۸/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۴/۵؛ کاشانی، ۱۴۰۱: ۶/۲۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵۴/۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۹/۲۵۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۸/۱۸).

صاحب تفسیر بیان السعاده آن را باطن اشیاء می‌داند که خداوند بر آن‌ها مسلط و هر طور که بخواهد در آن‌ها تصرف می‌کند. (سلطان علی شاه، ۱۳۷۲: ۲۳۰/۱۰).

با توجه به آیات قبل که ابتدا درباب صاحب زمین سؤال می‌کند و سپس درباب پروردگار آسمان‌ها و عرش عظیم سؤال می‌کند «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ \* سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (مومنون/۸۷-۸۶)

الملوک بودن خدا را برساند، و آن این است که خدا (الله است) که کبریا ئیش ما فوق همه بزرگی‌ها است، و این دلالت روشن و واضحی است.

و ثالثاً می‌خواهد بفهماند که مراد از ملک در آیه شریفه (و خدا داناتر است) اعم است از ملک حقیقی و اعتباری، برای اینکه امری که در آیه اول آورد، و فرمود: بگو بار الها تویی مالک الملک. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۸/۳)

با این حال ملک و ملکوت کاملاً هم معنا نیستند و کاربرد آنها در قرآن کریم تفاوت‌هایی دارد؛ بررسی این تفاوت‌ها ابعاد دیگری از معنای ملکوت را مشخص می‌کند.

#### تفاوت کاربرد ملک و ملکوت در قرآن کریم

همان‌طور که در بحث لغوی و تفسیری ذکر شد، برخی «ملک» و «ملکوت» را دارای یک معنا دانسته و تفاوتی میان این دو قائل نیستند؛ اما این مساله با اعجاز قرآن سازگار نیست؛ زیرا از نظر اعجاز قرآن کلمات قرآنی قابل تعویض با کلمه دیگر نیستند؛ (بنت الشاطی، ۲۰۰۴: ۲۸۶) این مساله از پیگیری آیات دارای «ملک» و «ملکوت» هم مشخص می‌شود؛ چراکه این دو واژه، در سیاق قرآن مجید جایگاه‌های مختلفی دارند؛ واژه ملک با کلمه «تبارک» استفاده شده است و «ملکوت» با واژه «سبحان»؛ «سبحان» که با ملکوت ذکر می‌شود از صفات جلالیه و تنزیه خداوند است و «تبارک» که با ملک می‌آید از صفات تشبیهی و جمالیه او. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۶۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۶۶/۹)

قابل ذکر است که صفات الهی در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته ثبوتی (جمال) و سلبی (جلال) تقسیم

هر چیز وجود اوست که این وجود به ایجاد خدای تعالی است. پس عبارت «ملکوت هر چیز به دست خداست»؛ کنایه از این است که ایجاد هر اشیا مختص به خدای تعالی است، آنچنان که فرموده است: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (زمر/۶۲) پس ملک خدا محیط به هر چیز است و امر و حکم او بر هر چیزی ثابت است. (همان، ۶۱۳۹۰: ۱۱۶/۱۷)

گروهی درباره معنای ملکوت در این آیه بیان داشته‌اند: «ملکوت به معنای حیات است، یعنی «بیده حیات کل شیء» که از آن به قانمیت خداوند تعبیر می‌شود و ملکوت شیء در لغت به معنای حیات شیء و حقیقت شیء می‌باشد. حیات، حقیقت و وجودشی، نیز از خدای سبحان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۹۸/۱)

در آیات دیگر قرآن کریم نیز این مفهوم با کلمات هم‌خانواده ملکوت بیان شده است:

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ» (آل عمران/۲۶) بگو: «بار خدایا، تویی که فرمانروایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی».

آیه اولاً بیان کند ملک (بکسره میم) خدا نسبت به ملک (بضمه میم) را و مالکیتش نسبت به ملک (بضمه میم) را که ملک بر روی ملک (بضمه میم) است. در نتیجه او ملک همه ملوک است، که ملک را به هر ملکی که بخواهد می‌دهد، هم چنان که فرمود: «أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ» (بقره/۲۵۸) و نیز فرمود: «وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكَاً عَظِيماً» (نساء/۵۴) و ثانیاً با جلوتر آوردن اسم جلاله (الله) می‌خواهد سبب مالک الملک بودن و ملک

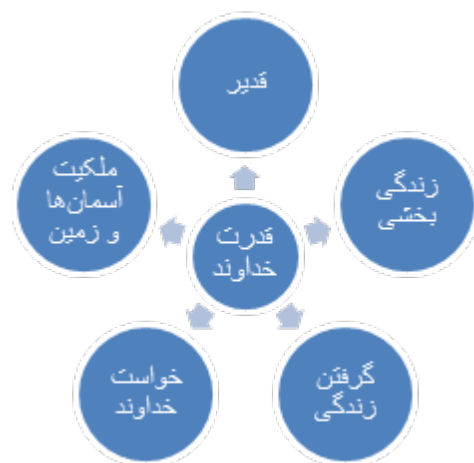
این ادعا با قابل رؤیت و دسترس نبودن ملکوت برای ناپاکان و رؤیت آن توسط انبیا و اولیای الهی کاملاً مطابق است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ حَوْلَ قَلْبِ ابْنِ آدَمَ لَنَظَرَ إِلَى الْمَلَكُوتِ» اگر شیاطین اطراف قلب انسان‌ها نمی‌گشتند، آن‌ها ملکوت را مشاهده می‌کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/۷) بنابراین قلب‌هایی که ناپاک و اسیر شیاطین هستند از نظر در ملکوت محروم هستند.

اما لفظ تبارک که همراه «ملک» آمده است «از ماده «برکت» است و ریشه آن برکت به معنی سینه شتر می‌باشد، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۵) و از آنجا که شتران به هنگامی که در جایی ثابت می‌مانند سینه خود را به زمین می‌چسبانند، این کلمه تدریجاً معنی ثابت ماندن به خود گرفته است، سپس به هر نعمتی که پایدار و با دوام باشد و هر موجودی که دارای عمر طولانی و آثار مستمر و ممتد است، موجود «مبارک» یا «پربرکت» گفته می‌شود... و از اینجا روشن می‌شود که یک سرمایه «پربرکت»، سرمایه‌ای است که به زودی زوال نپذیرد و یک موجود مبارک موجودی است که آثار آن مدتی طولانی برقرار بماند، بدیهی است لایق‌ترین وجود برای این صفت همان وجود خدا است او وجودی است مبارک ازلی، ابدی و سرچشمه همه برکات و نیکی‌ها و خیر مستمر، «تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف/۵۶) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۰۸/۶).

در آیات دارای «ملک» از لفظ «تبارک» استفاده شده است؛ برای مثال در آیه اول سوره ملک آمده است «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ملک/۱).

می‌شود. صفات ثبوتی یا جمال به اوصافی گفته می‌شود که به خدا نسبت داده می‌شود و کمالی را برای او اثبات می‌کند؛ مثل: علم، قدرت، حیات، سمع، بصر و... . صفات سلبی یا جلال به اوصافی گفته می‌شود که امور منفی و نقایص را از خدا نفی می‌کند؛ مانند سبوح و قدوس که خداوند را از هر گونه صفات منفی و نقص تنزیه می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶۰؛ طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴۴)

خلیل بن احمد در بیان لفظ سبحان می‌نویسد: «الله [أى: زهته تنزيها]. و يقال: نصب سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى الصَّوْفِ، و ليس بذاك، و الأول أجود.. لفظ سبحان که در مورد خداوند استفاده می‌شود: تنزیه خدای تعالی است از آنچه شایسته نیست که به آن وصف شود» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۵۱/۳).



شکل ۱: نمودار ویژه ملک در آیات خداوند

آیه ۸۳ سوره یس «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» با لفظ سبحان آغاز می‌شود. این آیه علاوه بر این که تنزیه خداوند است از آنچه مشرکان و منکران معاد، او را وصف می‌کنند، ملکوت را تنها در قبضه قدرت الهی (بیده) می‌داند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۸۰/۸).

«سلطنت کردن» به حاکمیت خود و خدا توجه داشت تا میان این دو خلطی صورت نگیرد بنابراین در پاسخ مردم گفت:

«... من بر شما سلطنت نخواهم کرد و پسر من بر شما سلطنت نخواهد کرد. بپوه بر شما سلطنت خواهد نمود.» (داوران، ۲۳/۸) یعنی او سلطنت را ویژه خدا می‌دانست. در واقع پس از تسبیح موسی که گفت: «... بپوه سلطنت خواهد کرد تا ابدالابد» (خروج، ۱/۱۵-۱۸)، به خداوند در جایگاه پادشاه اشاره شده است.<sup>۲</sup> این اندیشه اساسی پادشاهی خداوند را در مزامیر (۷/۲۴-۱۰) و اشعیا (۱/۶-۵) نیز می‌توان ردیابی

با این تفصیل می‌توان گفت وقتی واژه ملک در آیات الهی کاربرد دارد، اشاره دارد به نوعی قدرت که همراه شده است با واژگان قدیر، یحیی و یمیت، یشاء، و ملکیت آسمان‌ها و زمین؛ شکل ذیل این معنا را تفسیر می‌کند:

مفهوم شناسی ملکوت در عهد عتیق

معنای اولیه malkuth (عبری) و basileia (یونانی) اقتدار، سلطنت است. حکومت یک پادشاه قلمرو، رعایا و عملیات پادشاهی معانی ثانویه هستند. در آغاز تاریخ یهود نشانی از باور «پادشاهی خداوند» به چشم نمی‌خورد و خداوند پاتریارخ‌ها<sup>۱</sup> نیز هرگز ویژگی پادشاه را نداشت. تا زمان معرفی پادشاهی انسانی برای قوم اسرائیل در زمان سموئیل (اول سموئیل، ۷-۱/۸)، نام «پادشاه» بسیار به ندرت برای بپوه به کار می‌رفت. تا زمانی که یهودیان چادر نشین در بیابان‌ها پادشاهی انسانی نداشتند، از فرمانروای مقدس به منزله پادشاه تصویری نداشتند. هنگامی که مردم از جدعون خواستند فرمانروایشان باشد. او در کاربرد لفظ

<sup>2</sup>. In this expression the innermost teaching of the Old Testament is summed up, but it should be noted that the word kingdom means ruling as well; thus it signifies not so much the actual kingdom as the sway of the king.

در این عبارت باطنی‌ترین تعالیم عهد عتیق خلاصه می‌شود، اما باید توجه داشت که کلمه ملکوت به معنای حکومت نیز هست؛ بنابراین نه به اندازه پادشاهی واقعی که به فرمانروایی پادشاه دلالت می‌کند. New Catholic

Encyclopedia, v8, p19

<sup>۳</sup>. ای دروازه‌ها و ای درهای قدیمی باز شوید تا پادشاه جلال داخل شود. این پادشاه جلال کیست؟ او خداوند قادر متعال است! که در جنگها شکست نمی‌خورد. ای دروازه‌ها به کنار بروید، و ای درهای کهن باز شوید. تا پادشاه جلال داخل شود. این پادشاه جلال کیست؟ او خداوند متعال است! او خداوند شکست ناپذیر است!

<sup>۴</sup>. در همان سالی که عزای پادشاه مُرد، من خداوند را دیدم. او بر تخت بلند و پرشکوه خود نشسته بود. دامن ردای او تمام صحن معبد بزرگ را پوشانیده بود. اطراف او موجوداتی نورانی ایستاده بودند. هریک از آنها شش بال داشت. با دو بال صورت خود را و با دو بال دیگر بدن خویش را می‌پوشانیدند، و با دوبرال آخر پرواز می‌کردند. آن‌ها به یکدیگر می‌گفتند: «قَدَّوس، قَدَّوس، قَدَّوس! خداوند متعال که جلالش جهان را پر ساخته است.» صدای آواز آنها بنیان معبد بزرگ را به لرزه درآورد و معبد بزرگ پر از دود شد. گفتیم: «دیگر برایم امیدی نیست. هر حرفی که از لبانم بیرون می‌آید به گناه آلوده است، و در میان قومی ناپاک لب زندگی می‌کنم. با وجود این من پادشاه -خداوند متعال- را با چشمان خود دیده‌ام.»

<sup>۱</sup>. پطریارخ. (شیخ القبایل) حاکم و فرمانفرمای طایفه و خانواده را گویند و این مطلب در عهد جدید بابراهیم عب ۲:۴ و پسران یعقوب اع ۷:۸ و ۹ و داود اع ۲:۲۹ نسبت داده شده است. در ترجمه هفتاد اینلفظ ترجمه رأس یا سرور طایفه می‌باشد اتو ۲۷:۲۲ ولی اینلفظ عموماً در کتاب مقدس مقصود از اشخاصی است که قبل از موسی بوده‌اند طور و طرز حکومتی که از لفظ مستور مستفاد می‌شود در ابتدای تاریخ عبرانیان متداول بوده است چنانکه پدر مادام الحیات در خانواده و نسلهای خود صاحب اقتدار و تسلط تامی بود و پس از مرگ غالباً این جلال و رتبه بعهد اول زاده موکول بود اما نه همیشه پید ۲۷:۲۹ و ۲۹:۸ تو ۱:۵ و ۲ و از روسا و پطریارخهای طایفه یک مردیرا اختیار می‌کردند اعد ۱:۴-۱۶ ملاحظه در پیران یا مشایخ. و پس از خرابی اورشلیم قوم یهود دو نفر رئیسی را که «بر سهندریم» ریاست داشتند پطریارخ می‌گفتند و این لفظ در بعضی از شعب کلیسای مسیحی نیز متداول شده برای تعیین محترمی که اعظم بودند استعمال می‌کردند. (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴)

با بنی اسرائیل بست، آنان را از میان امت‌ها برگزید: «و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود.» (خروج، ۶/۱۹) بنابراین خداوند به شکلی ویژه در قوم اسرائیل آشکار می‌شود. او میان قوم برگزیده خود و در اورشلیم "پادشاه عظیم" است (مزامیر، ۳/۴۸) و از اورشلیم آنان را برکت می‌دهد (مزامیر، ۳/۱۳۴) و نگهداری و حمایت می‌کند. همان‌گونه که چوپان گوسفندان را جمع می‌کند. او قوم خود را گرد خواهد آورد. (حزقیال، ۳۴)

در عهد قدیم بر دو نوع از حکومت خداوند تاکید شده است. خداوند به طور مکرر به عنوان پادشاه یاد می‌شود، پادشاه اسرائیل و نیز پادشاه همه مردم جهان و هم اکنون پادشاه است، اما منابع دیگری نیز بیانگر آن است که او در روز داوری پادشاه می‌شود و بر همه مردم حکومت می‌کند. (لد، ۱۹۵۲: ۵۸)

مفهوم ملکوت در عهد جدید

در اناجیل اربعه، درباره ملکوت سخن به میان آمده است: متی (۳۳/۶)، مرقس (۱۵/۱)، لوقا (۴۳/۴)، یوحنا (۳/۳).

ملکوت خدا در آموزه‌های عیسیوی جایگاه اعلی دارد (لئون - دفور، ۲۰۰۴: ۲۹۳) و موضوعی محوری است (کراس، ۱۹۸۳: ۷۸۲) و دیگر تعالیم او بر اساس آن شکل یافته است. (براون، ۱۹۶۸: ۳۰۶) مرقس مأموریت عیسی را با این کلمات بیان می‌کند: «عیسی پس از گرفتار شدن یحیی به جلیل رفت. او بشارت خدا را اعلام می‌کرد و می‌گفت: «زمان به کمال رسیده و پادشاهی خدا نزدیک شده است. توبه کنید و به این بشارت ایمان آورید.» (مرقس ۱: ۱۴-۱۵) و متی مأموریت او را این گونه بیان می‌کند: «بدین‌سان، عیسی

کرد و نویسندگان کتاب‌های مقدس نیز در تفصیل‌ها و توجیه‌های گوناگون خود این عبارت را وارد کرده‌اند که بیهوده تا ابد پادشاهی خواهد کرد. (خروج، ۱/۱۵-۱۸) پادشاهی او هم در آسمان (مزامیر، ۴/۱۱)؛ و هم در زمین (مزامیر، ۱/۴۷-۹) و در جهانی که خلق کرده است. (مزامیر، ۱/۹۳-۲؛ ۳/۹۵-۵)<sup>۳</sup>

یهود بر این باورند که خداوند پادشاه همه ملت‌هاست (ارمیا، ۷/۱۰ و ۱۰) و به موجب عهدی که

<sup>۱</sup> خداوند در معبد مقدس خویش است. تخت خدا در آسمان استوار است. او همهجا مراقب مردم است و هرچه می‌کنند، می‌داند. خداوند تخت خود را در آسمانها برقرار کرده و از آنجا بر همه عالم حکمرانی می‌کند.

<sup>۲</sup> خدا پناهگاه و قوت ماست، مددکاری که هنگام سختی فوراً به فریاد ما می‌رسد. بنابراین نخواهیم ترسید، اگر چه زمین بلرزد و کوه‌ها به عمق اقیانوسها فرو روند، یا دریاها بخروشند و کف برآورند و کوه‌ها به لرزه درآیند. نه‌ری است که جویهای آن شهر خدا را شادمان می‌سازد، و به خانه مقدس او طراوت می‌بخشد. چون خدا در این شهر ساکن است، پس هرگز ویران نخواهد شد، هر بامداد به کمک آن خواهد آمد. ملت‌ها هیاهو می‌کنند و دولت‌ها متزلزل می‌شوند، اما وقتی خدا حرف می‌زند، زمین زوب می‌گردد. خداوند متعال با ماست، خدای یعقوب پناه ماست. بیایید و عجایب خداوند را مشاهده کنید، و کارهای عظیمی را که در دنیا انجام داده است، ببینید. او جنگ‌ها را در سراسر جهان خاتمه می‌دهد. کمان‌ها را می‌شکند، نیزه‌ها را خرد می‌کند، و سپرها را در آتش می‌اندازد.

<sup>۳</sup> خداوند پادشاه است. او به شوکت و اقتدار آراسته است. زمین را محکم در جای خود استوار نمود و جنبش نخواهد خورد. تخت تو از ابتدا برقرار بود و تو از ازل بوده‌ای. زیرا خداوند، خدای متعال است، پادشاه بزرگ بر تمام خدایان. او فرمانروای سراسر زمین است، از اعماق اقیانوسها تا فراز بلندترین قله‌ها. زمین و دریاها همه به او تعلق دارند زیرا که او آنها را ساخته است.

<sup>۴</sup> ای پادشاه تمام ملت‌ها، کیست که از تو نترسد؟ تو تنها شایسته احترامی، مثل تو در میان تمام حکیمان ملت‌ها در میان سایر پادشاهان یافت نمی‌شود. اما تو، ای خداوند، خدای حقیقی هستی، تو خدای زنده و پادشاه ابدی هستی. وقتی تو خشمگین شوی، جهان می‌لرزد ملت طاقت تحمل آن را ندارند.

در سرتاسر جلیل می‌گشت و در کنیسه‌های ایشان تعلیم می‌داد و بشارت پادشاهی را اعلام می‌کرد و هر درد و بیماری مردم را شفا می‌بخشید». (متی ۴: ۲۳)

به همین دلیل بسیاری از دانشمندان در این که ملکوت پیام مرکزی عیسی (ع) است اتفاق نظر دارند. (لد، ۱۹۹۳: ۵۴)

همچنین قابل ذکر است که شواهد مرکزیت پیام «ملکوت خدا» به قدری زیاد است که نمی‌توان منکر آن شد. برای مثال عیسی (ع) خود می‌گوید: «من باید ملکوت خدا را در شهرهای دیگر نیز بشارت دهم چرا که به همین منظور فرستاده شده‌ام» (لوقا ۴: ۴).

ملکوت خدا که در مرکزیت پیام عیسی (ع) قرار دارد، به گونه‌ای در اناجیل به کار رفته است که گاه معنای مکانی و گاه معنای روحانی دارد (همان، ۷). اما برخی معنای مکانی ملکوت (قلمروی حکومتی) را صحیح نمی‌دانند و معتقدند که ملکوت خدا تنها دارای مفهوم فعال امر (حکم) خداوند به عنوان یک پادشاه است (مودیمان، ۲۰۱۰: ۸۸). این معنای اولیه از ملکوت مانند معنای اولیه آن در عهد قدیم است.

به‌رحال با وجود شباهت معنای نخستین ملکوت در اناجیل و عهد قدیم، مقصود عیسی (ع) از ملکوت با مفهوم ملکوت در عهد قدیم مطابق نیست؛ زیرا آن حضرت برای وصول به اهداف الهی خود در آن تغییراتی داده است. به‌همین دلیل بررسی مقصود عیسی (ع) از ملکوت مستلزم دانستن شرایط محیطی و زمینه‌های ظهور اوست.

۱. تفاوت مفهوم «ملکوت» در عهد قدیم و اناجیل عیسی (ع) در محیطی زندگی می‌کند که به‌تازگی تحت تسلط رومی‌ها درآمده بود و یهودیان به شکلی

تحمل‌ناپذیر تحت ستم و ظلم بیگانه قرار داشتند. رومیان در اداره اقوام تابع خود، فاصله را حفظ می‌کردند و هیچ‌گونه احساس هم‌نوعی با آن اقوام نداشتند، بنابراین پیوندی در میان فرهنگ‌ها و عقاید آنها مشاهده نمی‌شد. (ناس، ۱۳۸۷: ۵۷۷)

از طرفی فریسیان که فقها و علمای یهود و بزرگترین فرقه یهود از حیث عدد بودند، با توجه بیش از حد به آئین ظاهری شریعت و تحمیل آداب و رسوم ساختگی بر مردم، اصول را فراموش کرده بودند و بدین ترتیب اهداف عالی شریعت تأمین نمی‌شد. در انجیل متی به نقل از عیسی (ع) در مورد ایشان آمده است: «علمای دین و فریسیان بر مسند موسی نشسته‌اند. پس آنچه به شما می‌گویند، نگاه دارید و به‌جا آورید؛ اما همچون آنان عمل نکنید! زیرا آنچه تعلیم می‌دهند، خود به‌جا نمی‌آورند. بارهای توان‌فرسا را می‌بندند و بر دوش مردم می‌گذارند، اما خود حاضر نیستند برای حرکت دادن آن حتی انگشتی تکان دهند.» (متی ۲۳: ۲-۴)

به‌طور کلی عقاید یهودی در امور مهم متشدد بود؛ برای مثال روشن نیست که چه تعداد از یهودیان منتظر مسیحا بودند. تفسیر مسیحی متمایل‌تر است که این افراد را زیاد بداند اما محتمل است که بیشتر یهودیان به ندرت درباره آن فکر می‌کرده‌اند. (ویور، ۱۳۸۰: ۸۱).

بنابراین عیسی (ع) ارزش‌ها و ماهیت ملکوت را تغییر داد؛ با تحقق چنین تغییراتی اهداف دیگری نیز تأمین می‌شد:

۱- امیدوار کردن مردم به ظهور ملکوت و حضور در آن؛ عیسی (ع) با اعلام این که ملکوت الهی در همان زمان به وقوع پیوسته است، درد و رنج مردم

بلکه تنها برای فروتتان و نه دانایان و آینده‌نگران این جهان، حواریون و نه همه مردم. (مرقس، ۱۱: ۴) (لئون دفور، ۲۰۰۴: ۲۹۴)

۲- شرح نکردن معنای ملکوت توسط عیسی (ع):  
برخی معتقدند که عیسی خود از شرح درست ملکوت خودداری کرده است تا درک آن را به عنوان یک سنبل آزاد بگذارد؛ تا از این طریق مردم به موعظه پاسخ مناسب دهند و قدرت خداوند را بشناسند (باوکر، ۱۹۹۷: ۵۴۹)

۳- استفاده از تمثیل: عیسی (ع) گاه برای تبیین حقیقت مرکزی پیغام خود از تمثیل‌هایی بهره برده است (لد، ۱۹۵۲: ۵۲) که در ابتدای آن‌ها عبارت «ملکوت آسمان نظیر...، یا ملکوت خداوند...» اضافه شده است، برخی اضافه شدن این عبارات را به اناجیل، کار انجیل‌نویس‌ها دانسته و این امر را موجب مبهم شدن تمثیل‌ها عنوان کرده‌اند (گیلبرت، ۱۹۸۰: ۷/۷۳۶) عیسی (ع) خود در تبیین این تمثیل می‌گوید: «عیسی در جواب گفت: «کسی که بذر نیکو می‌کارد، پسر انسان است. مزرعه، این جهان است و بذر نیکو تابعین پادشاهی خدا هستند و تخمهای تلخه پیروان شیطان می‌باشند. آن دشمنی که تخمهای تلخه را کاشت، ابلیس است و موسم درو، آخر زمان می‌باشد و دروگران فرشتگان (متی ۱۳: ۴۰-۳۷)

۴- تعابیر مختلف در مورد ملکوت: نوع استفاده از واژه ملکوت در اناجیل به گونه‌ای است که خواننده هنگام مواجهه با آن دچار سردرگمی می‌شود و فهم معنای آن را مشکل می‌سازد. تا آنجا که برخی دستیابی به معنای ملکوت در اناجیل را ممکن نمی‌دانند. (باوکر، ۱۹۹۷: ۵۴۹) در مورد ملکوت در اناجیل

زمان خود را که به انتظار و به امید ظهور ملکوت بودند می‌کاست؛ این معنی از مفاد آیات انجیلی برمی‌آید، آنجا که عیسی (ع) ملکوت خدا را به اندک خمیرمایه‌ای تشبیه می‌کند که به ظرفی بزرگ و پر از آرد بزنند یا به دانه خردل حقیری که از همه حبوبات خردتر است ولی به مرور زمان درختی عظیم می‌شود. از این رو عیسی (ع) حس امید و انتظار قوم یهود را که چشم به راه مسیحا داشته بودند تخفیف داده است. (ناس، ۱۳۸۷: ۵۹۵)

۲- نمایش امکان ظهور ملکوتی که قرار بود در آینده محقق شود؛ عیسی (ع) طرد شیاطین و معجزات را نشانه‌ای برآمدن ملکوت بر مردم دانست. او با این اعمال قدرت خداوند را در برقراری ملکوت آینده به نمایش می‌گذاشت و این خود نشانه‌ای بود برای ایمان آوردن افرادی که به خاطر عملکرد بد علمای یهود و یا هر دلیل دیگر به دین یهود و برقراری ملکوت الهی بدبین بودند. (شحاده، ۱۹۹۳: ۳۰۴)

۳- نزدیک کردن ملکوت برای اهتمام به آن؛ بیان نزدیک بودن ملکوت، تلنگری است برای افرادی که آن را دور می‌پنداشتند تا توبه کرده و به خداوند نزدیک شوند. (آلن، ۱۹۹۵: ۵۲)

۲. مشخصه‌های اصلی مفهوم «ملکوت» در اناجیل اربعه

«ملکوت» در اناجیل دارای خصوصیتی است که به سبب آن‌ها فهم معنای ملکوت دشوار شده است:

۱- راز گونه بودن حقیقت ملکوت؛ به‌طور کلی ملکوت خدا در اناجیل حقیقتی رازگونه است که تنها طبیعت عیسی (ع) می‌تواند آن را بشناسد، طبق تعالیم عیسی (ع) این حقیقت برای همه‌کس آشکار نمی‌شود

تعبیری گوناگون به چشم می‌خورد که انسان را در فهم معنای آن دچار مشکل می‌کند. برای مثال ملکوت گاه امری متعلق به آینده معرفی شده است و گاه امری که به زمان حال وابسته است و هم اکنون محقق شده است. گاهی ملکوت به گونه‌ای بیان شده است که معنای مکانی از آن برداشت می‌شود یعنی ملکوت را باید یک مکان یا قلمرو فرض کرد (استنتون، ۲۰۰۲: ۲۰۷)، گاهی نیز امری روحانی به نظر می‌رسد. (لد، ۱۹۸۶: ۳/۲۴) زمانی ملکوت حقیقتی غیرقابل مشاهده و درونی دانسته شده (لوقا، ۲۰: ۱۷) و گاه امری که در جهان خارج بروز و ظهور دارد. (متی ۲۴).

به هر حال همه مسیحیان معتقدند که روزی خواهد رسید که حکومت الهی به طور کامل برقرار می‌شود. منتهی برخی گمان می‌کنند این حکومت روی زمین اجرا می‌شود؛ برخی آن را ورای تاریخ می‌دانند. برای برخی آن یک آرمان بزرگ اجتماعی است که با کوشش انسان‌ها و کمک خداوند در اینجا و اکنون کسب خواهد شد؛ نزد برخی دیگر این حکومتی است که از طریق دخالت مستقیم ناگهانی خداوند در تاریخ بشر و پایان دادن به دنیا و زمان تحقق پیدا خواهد کرد. (هیوم، ۱۳۸۸: ۴۱۲)

اشتراکات و افتراقات ملکوت در قرآن کریم و عهد جدید

ملکوت در عهد جدید، امری باطنی و روحانی است که با زبان تمثیل بیان شده و وجهه تبلیغی دارد. وجهه تبلیغی آن عبارت "وارد ملکوت خدا شوید" می‌باشد که افراد را جذب می‌نماید و ایمان به مسیح را شرط ورود به ملکوت خدا معرفی می‌کند. تبلیغات اناجیل پیرامون ملکوت خدا، از ابتدا با یک ملکوت

ناقص رو به رشد شروع می‌شود. این فرآیند از همان ابتدا در زمان مسیح شروع شده و با جهش‌های فکری - اجتماعی رو به تکامل است که زمان تکامل آن هم با رجعت مسیح و ظهور ثانوی مقارن است و قطعاً اجتماع مومنان هر عصری در تکامل بخشیدن بدان سهم هستند.

نکته اصلی بحث از ملکوت در مسیحیت این است که اولاً ملکوت ناقص است. ثانیاً اجتماع مومنان ملکوت را تصویر سازی می‌کند. البته در ناقص بودن ملکوت دقت شود، آن جا که ملکوت به معنای اجتماع مومنان است، ناقص می‌باشد؛ اما ملکوت به معنای معاد کامل است.

در قرآن کریم، ملکوت یک امر باطنی در نظام عرش و تدبیر است که خارج از قیود زمان و مکان می‌باشد. بنابراین بحث از نقص و تکمیل ملکوت نیست، درعهد جدید عالم ملکوت فرآیندی است که در کنار عالم ملکوت رو به رشد و تکامل است. اما در قرآن کریم عالم ملکوت محیط بر عالم ملک است «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه/۴۹). برخلاف مسیحیت که بشارت به ملکوت وجهه تبلیغی دارد، در قرآن کریم یک رهیافت اخلاقی دارد. نوعی از ملکوت در قرآن کریم جنبه همگانی برای انسان‌ها دارد و همه افراد قبلاً در آن حضور داشته‌اند. خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف/۱۷۲)

در این آیه شریفه مساله شهود در عالم ملکوت برای همه انسان‌ها مطرح شده است. و اگر در آیاتی از قرآن خداوند متعال ملکوت را به عده‌ای خاص



السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ» هیچ وقت از مشاهده ملکوت جدا نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۳/۱-۲۷۲) اما در مسیحیت تنها ایمان به مسیح، سبب ورود به ملکوت است.

در عهد جدید ورود به ملکوت، تعطیلی احکام را در پی خواهد داشت. حضرت عیسی در پاسخ به کسانی که روزه نگرفتن شاگردان را بر او خرده می‌گرفتند، به این موضوع اشاره می‌فرماید که وعده الهی تحقق یافته و ملکوت خداوند برقرار شده؛ لذا نیازی به انجام احکام نیست؛ اما در قرآن کریم ورود به ملکوت به معنای تعطیلی احکام نیست، بلکه برخلاف مسیحیت، عالم ملکوت بر کسانی مکشوف می‌شود که بیش از بقیه پایبند شریعت باشند.

ملکوت در عهد جدید با الوهیت عیسی گره خورده است. ملکوت در دست عیسی است؛ زیرا خود او خداست، و هر چه هست، به وسیله او آفریده شده است و چیزی نیست که او آن را نیافریده باشد (یوحنا، ۱: ۱-۳) مسیح صاحب ملکوت است، لذا کلید ملکوت و یا به عبارتی ولایت را به پطرس و حواریون می‌بخشد. در جای دیگر این اختیار شمول بیشتری یافته و این اقتدار به عموم مومنان تفویض گردیده است (متی، ۱۸: ۱۵-۲۰) و استنباط کلیسا این بود که در این باره اختیار به کلیسای عام داده شده است و مجمع "۱۸۶۹ م" عصمت پاپ را مقرر داشت و حق تشریح به ریاست کلیسا رسید. (رامیار، ۱۳۵۰: ۲۷۷)

اما چنان که بیان شد، در قرآن کریم، خداوند متعال تنها تدبیر کننده و تنها پادشاه جهان است، ملکوت تمام اشیا تنها به دست خداست، و در نظام عرش الهی تعدادی که به مقام قرب رسیده و از اولیا و برگزیدگان

اختصاص داده، از آن جهت است که انبیاء و اولیای الهی از حاملان عرش الهی هستند که امر هدایت انسانها را بر عهده دارند و بر این اساس دارای علم حضورینند. خداوند می‌فرماید "و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا" یعنی اینها چون به عالم ملکوت اشراف داشته و اشرافشان از نوع حضوری و به واسطه پروردگار است، جنبه ایصال الی المطلوب دارند. و به هدایت مردم می‌پردازند. لذا برخلاف مسیحیت که اجتماع مومنان ملکوت را تصویرسازی می‌کنند، در قرآن کریم افراد برگزیده نظیر پیامبران و اولیای الهی تنها از آن عالم فیض می‌گیرند و نقش تصویرسازی ندارند.

بر این اساس ملکوت در قرآن کریم دو نوع است: در نوع همگانی همه انسانها این پتانسیل را دارند که وارد آن شوند، اما نوع خاص آن مربوط به عالم عرش و تدبیر است و تنها به اولیای الهی اختصاص دارد تا بتوانند با امر ملکوتی به هدایت انسانها بپردازند. پس در این نوع، ملکوت مربوط به ولایتی می‌شود که امام در نفوس مردم دارد، نوع علمش هم علم اشراقی است. این اولیای الهی به فرموده قرآن کریم به درجات صبر و یقین رسیده‌اند «و جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا لَمَا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يوقِنُونَ» (سجده/۲۴)

به حکم این آیه، ملاک در رسیدن به مقام امامت صبر در راه خداست، و فراموش نشود که در این آیه، صبر مطلق آمده، و در نتیجه می‌رساند که شایستگان مقام امامت در برابر تمامی صحنه‌هایی که برای آزمایششان پیش می‌آید تا مقام عبودیت و پایه بندگی‌شان روشن شود، صبر می‌کنند، در حالی که قبل از آن پیشامدها دارای یقین هم هستند. و یقین هم به فرموده خداوند «وَ كَذَلِكَ نُؤَيِّدُ الْإِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ

هستند، کارگزاران عرش الهی هستند و به واسطه علم حضوری که به آنها عطا شده و حقایق ملکوت برایشان مکشوف شده، نوعی تصرف در باطن انسانها داشته و امور عالم پایین را اداره می‌کنند.

در عهد جدید دو موضوع ملکوت خدا و پادشاهی یسوع، با هم ارتباطی وثیق دارند؛ زیرا مسیح پادشاه، همان پسر خداست. این جایگاه مسیح مراحل سه گانه پی در پی را شکل می‌دهد که مرحله اول حیات زمینی مسیح است، مرحله دوم آن زمان کلیسا و مرحله سوم دوره آخر الزمان است. به عبارتی دیگر در بحث ملکوت خدا در عهد جدید، مسیح چهره الوهی دارد. اما در قرآن کریم ملکوت خدا با هیچ یک از برگزیدگان الهی پیوند ندارد، و تنها مکشوف شدن ملکوت برای انبیا و نقش کارگزاری آن‌ها در عرش الهی مطرح است. ملکوت و تجسد آن در شخص مسیح، حتی پس از مردن و قیامش در تورات و قرآن وجود ندارد. قرآن به شیوه‌های مختلف الوهیت عیسی را انکار کرده است (مائده/۱۱۶-۷۵-۱۷) و او را بنده خدا (مریم/۳۰) و کلمه الله و روح الله نامیده است (نساء/۱۷۱) و تمامی معجزاتش را به اذن خداوند می‌داند (مائده/۱۱۰) اما مسیحیت ملکوت را از آن عیسی می‌داند؛ زیرا برای وی جنبه الوهی قائل است.

#### نتیجه‌گیری

در باطن دین، حقیقت واحدی نهفته است که به صور گوناگون در شریعت‌های مختلف و در ادوار تاریخی متجلی شده است. «ملکوت خداوند» واژه‌ای بسیار مهم و مشترک در کتاب مقدس و قرآن کریم است. با بررسی معناشناسی تطبیقی «ملکوت» در کتاب مقدس (عهد قدیم - عهد جدید) و قرآن کریم به

اشتراک‌ها و افتراق‌های زیادی پی بردیم. با این حال به رغم آنچه ادعا می‌شود که در اصل موضوع بسیار به یکدیگر شباهت دارند، وقتی در قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) بررسی می‌کنیم به یکباره موضوع رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد. بنابراین در مقام مقایسه و نتیجه‌گیری، بهتر است نخست اشتراکها و اختلاف‌ها را در عهدین بیان کنیم و سپس نتیجه را با قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) بسنجیم.

در متون عهد عتیق دو نوع از ملکوت می‌توان برشمرد: اول پادشاهی و ملکوتی که همیشگی است و از ازل تا ابد ادامه دارد. دوم ملکوت خداوند در آخرالزمان که مسیح ظهور می‌کند و حکومتی سیاسی به راه می‌اندازد. در این قسم محل حکومت خداوند اسرائیل است و بنابراین گاهی از اسرائیل به ملکوت خدا تعبیر می‌شود. در عهد جدید هم بنابر بیانات حضرت عیسی (ع) دونوع ملکوت می‌توان تصور نمود ملکوتی که در تاریخ آغاز شده است و در نهایت تاریخ تکمیل خواهد شد؛ ملکوتی که موجود و ماورایی است.

مفهوم نخستین ملکوت در اناجیل اربعه و عهد قدیم همان پادشاهی و حکومت است. به طور کلی مفهوم ملکوت خدا یا آسمان در یهودیت و مسیحیت ناظر به حکومت جهانی الهی آخرالزمان است که بوسیله منجی آخرالزمان برپا خواهد شد در پرتو آن مردم به سعادت نهایی خواهند رسید؛ و متناظر با حکومت صالحان که به دست مبارک حضرت مهدی (عج) برپا خواهد شد، در اسلام است؛ اگر چه در شخص منجی اختلاف نظر دارند.

نوع گویش حضرت عیسی (ع) درباره ملکوت تمثیلی بود؛ یعنی نمی‌گفت: «ملکوت خدا چنین است و

چنان»، بلکه می‌گفت: «ملکوت خدا همانند چنین و چنان است». در حقیقت حضرت عیسی (ع) می‌کوشید تا در بسیاری از تمثیل‌هایش، اساسی‌ترین عقیده خود را درباره ملکوت بیان کند. ولی یهودیت ماهیت ملکوت را فهمیدنی یا دست کم حدس زدنی می‌دانست؛ یعنی چیزی تقریباً پیش بینی پذیر، اما حضرت عیسی (ع) با رد این باور، ملکوت را امری اسرار آمیز می‌دانست.

ملکوت در اناجیل با زبان رمز و نماد و تمثیل بیان شده، با الوهیت عیسی گره خورده است. ملکوت در دست عیسی است زیرا خود او خداست و هر چه هست، به وسیله او آفریده شده است. ملکوت یک حقیقت پنهان است که تنها عیسی توانسته آن را آشکار نماید این امر روحانی از دویعد حال و آینده برخوردار است؛ از یک سو عیسی بر این باور است که ملکوت خدا از طریق شخص او و خدماتش آغاز شده و رو به رشد است و از سوی دیگر در انتظار به اوج رسیدن و تحقق کامل این ملکوت در آینده است. ملکوت مسیحیت در راستای انسان سازی است و جنبه خاص ملکوت فقط برای شخص مسیح است و به همین جهت فقط اوست که دارای عصمت است. اما از دیدگاه قرآن کریم، ملکوت که به معنای وجود هر شیء به ایجاد خدای تعالی است، از خداوند متعال که مدبر هستی است، آغاز می‌شود. «ملکوت» مفهومی تشکیکی و ذو مراتب است. معنا و مرتبه ساده و قابل درک آن برای همه، همان مالکیت مطلق خدای متعال و صفت تدبیر اوست؛ اما مراتب معنایی والاتر آن باطن و جنبه ناپیدای اشیاء است.

در عهد جدید، ملکوت روندی ناقص اما رو به رشد دارد، اما در قرآن کریم ملکوت یک امر باطنی در

نظام عرش و تدبیر است که خارج از قیود زمان و مکان می‌باشد، و محیط بر عالم ملک است. در قرآن کریم افراد برگزیده نظیر پیامبران تنها از آن عالم فیض می‌گیرند و نقش تصویر سازی ندارند. در قرآن کریم ایجاد ملکوت خدا با هیچ یک از برگزیدگان الهی پیوند ندارد، و تنها مکشوف شدن ملکوت برای انبیاء و نقش کارگزاری آن‌ها در عرش الهی مطرح است. ملکوت و تجسد آن در شخص مسیح، حتی پس از مردن و قیامتش در تورات و قرآن وجود ندارد چرا که قرآن کریم به شیوه‌های مختلف الوهیت عیسی را انکار کرده است.

همان گونه که گفته شد «ملکوت» در قرآن کریم معنا و مفهومی کاملاً متفاوت با مفهوم «ملکوت خدا» در یهودیت و مسیحیت دارد. از نظر قرآن کریم، ملکوت امری فرامادی است که با ابزار حسی نمی‌توان آن را شناخت. اگرچه خداوند در قرآن کریم انسان را به دیدن (تفکر) در ملکوت توصیه می‌کند، این دیدن و درک ملکوت با چشم سر امکان پذیر نیست و صرفاً با بصیرت یا بینایی دل است. پیامبران و اوصیای الهی (ع) که توانستند به نظاره ملکوت بنشینند، از این راه به این مهم دست یافتند. از آیات قرآن کریم نیز معلوم شد که مراد از «ملکوت آسمان‌ها و زمین» یا «ملکوت اشیا» یعنی ارائه شیئیت، هستی و حقیقت آنها است و این هستی و شیئیت قائم به ذات اقدس خداست؛ یعنی وجود این عالم از وجود خدای سبحان است. بنابراین ملکوت اشیا و آسمان‌ها همان حاکمیت و سلطنت خدا بر تمام هستی یا همان ملکوت خداست. وقتی آفرینش، تدبیر و هدایت این عالم در دست خداست، پس ملکوت آسمان‌ها و اشیا نیز همان ملکوت خداست.

ملکوت خدا، وجودی واحد و عاری از کثرت است؛ یعنی از ویژگی‌های مادی بری است. بنابراین گستره وجود آن از همه عالم ماده یا عالم شهادت وسیع‌تر است.

یکی از مفاهیم ملکوت در سیاق قرآن کریم عبارت است از «باطن» و «آن سوی هر چیز که رو به پروردگار متعالی» است. معنا و مفهوم دیگر ملکوت «ملک» می‌باشد، یعنی سلطنت و حکومت است. آیات قرآن که در آنها ملکوت بکار رفته در یک سیر خطی زمانی قرار دارند و بر طبق نزول معنای جدید گرفته است، که ابتدا در معنای انذار قیامت، سپس در باطن هر چیزی که خداوند بر آن سیطره کامل دارد، در ادامه حقیقتی می‌شود که به پشتوانه آن از پرستش غیر خدا حذر می‌شود و در آیه آخر ملکوت تدبیر امور توسط خدایی است که یکتاست و بر همه تسلط دارد، که این نشانگر تغییر معنا و مفهوم ملکوت در مرور زمان است.

قرآن کریم در بیان معنا و مفهوم ملکوت مسیری متفاوت از عهد قدیم و جدید طی کرده است زیرا که بیشتر استعمالات در عهدین ناظر به جنبه حسی ملکوت می‌باشد؛ اما در قرآن کریم ابزار حسی در مفهوم ملکوت وسیله‌ای برای رسیدن به حقایق امور هستی است که خداوند متعال همانطوری که در ذیل آیات چهارگانه گذشت، منظور از دیدن ملکوت را شهود باطنی بیان فرموده است.

با این حال با وجود تشابهات نوعی و محتوایی که از یک نظر یا دیدگاه در عهدین و قرآن کریم وجود دارد هم بهره‌گیری نوعی و هم محتوایی را می‌توان استنتاج کرد و همانطوری که در ذیل مفهوم شناسی ملکوت مطرح شده است «ملکوت» با اشتقاق «مُلک»

هم در قرآن کریم و هم در عهدین آمده است که آن را تشابه نوعی می‌توان لحاظ نمود. در مفهوم نخستین ملکوت (پادشاهی و ملکوتی که همیشگی است) در عهد قدیم با مفهوم بدست آمده از قرآن که ناظر بر سلطنت و سلطه الهی و همیشگی پروردگار متعال است؛ می‌توان تشابه محتوایی لحاظ نمود. و در نتیجه هم بهره‌گیری نوعی و هم محتوایی را می‌توان استنتاج کرد.

#### پیشنهادات

ملکوت به علت گستردگی عمیق در حوزه معناشناختی و مفهوم‌شناختی پژوهش‌های فراوان و با همت زیاد طلب می‌کند، آنچه در این میان مهم و سترگ نظر می‌نماید معناشناسی ملکوت در اندیشه اسلامی است، از این رو زمانی عظیم و کاری بزرگ را طلب می‌کند، به همین دلیل پیشنهادات ذیل جهت این موضوع ارائه می‌شود:

- بررسی ملکوت در احادیث شیعه و سنی به صورت جامع
- ارتباط بین واژگان امر و ملکوت در سوره یاسین
- ارتباط ملکوت با عوالم دیگر

و چندین موضوع دیگر در این زمینه که می‌تواند به غنای کار و اثر بخشی آن کمک کند و پرده از رازهای این واژه بردارد.

#### منابع

- قرآن کریم
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ش). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. قم: دارالفکر.

- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۴۱ ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوجیب، سعدی (۱۴۰۸ ق). *القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً*. بیروت: دارالمعرفه.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بستانی، فؤاد افراهم (۱۳۷۵ ش). *فرهنگ ابجدی*. تهران: نشر توس.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق). *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جفری، آرتور (۱۳۸۶ ش). *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*. مترجم: بدرهای، فریدون، تهران: نشر توس.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ش). *تفسیر موضوعی قرآن*. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). *الصحاح*. بیروت: داراحیاءالتراث العربی.
- حسینی همدانی، محمدحسین (۱۴۰۴ ق). *تفسیر انوار درخشان*. تهران: احسان.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (۱۴۰۲ ق). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
- خرم‌دل، مصطفی (۱۳۸۴ ش). *تفسیر نور*. تهران: احسان.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القرآن*. بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹ م). *أساس البلاغة*. بیروت: دارالقلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق القرآن*. بیروت: دار الکتب العربی.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ ق). *بیان السعادة فی مقامات العبادة*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۸۰ ش). *الإیتقان فی علوم القرآن*. تهران: امیرکبیر.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: دارالمعرفه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸ م). *التفسیر الکبیر*: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی) اردن: دار الکتب الثقافی.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۴۰۳ ش). *مجمع البحرین*. تهران: ناصر خسرو.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *العین*. قم: اسوه.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ ق). *الوافی*. اصفهان: بی نا
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ ش). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش). *الجامع الاحکام القرآن*. تهران: دار
- قطب، سید (۱۴۲۵ ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.
- *کتاب مفسر (۲۰۱۶ م)*. ترجمه هزاره نو، سازمان ایلام
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۷۰ ش). *تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نیآوردی، علی بن محمد (۱۴۰۲ ق). *النکت والعیون تفسیر الماوردی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۰ ق). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: حوزه علمیه، مرکز مدیریت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ناس، بایرجان (۱۳۸۰ ش). *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.
- Black, J. et al., A Concise Dictionary of Akkadian, Wiesbaden, Harrassowitz Verlag, 2000.
- Brockelman, C, Lexicon syriacum, Edinburgh & Berlin, T.T. Clarck/ Reuther & Reichard, 1895.
- Gesenius, W. A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament, ed. F. Brown, Oxford, Clarendon, 1907.
- Jastrow, Marcus, A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic Literature, London/ New York, Luzac/ Putnam, 1926.
- Jeffery, A. THE FOREIGN VOCABULARY OF THE QUR'AN. Baroda: Oriental Institute, 1938
- Leon-Dufour, Xavier, Dictionary of Biblical Theology, New York, Burns & Outes, Second Edition. 2004